

ورود قانون به ایران ممنوع!

به مناسبت فرارسیدن سوم اسفند
مصادف با صد و بیستیمین سال انتشار روزنامه قانون

علی سرهنکی*



مقدمه

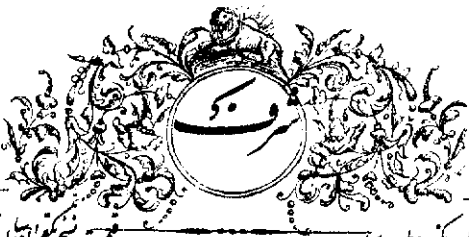
«... رسم، قاعده، روش، آیین، امری است کلی که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات از آن شناخته شود. قاعده‌ای که مقامات صلاحیت‌دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و آن مبتنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند.»

فرهنگ معین در باب واژه «قانون» چنین توضیحی را ذکر می‌کند. «قانون» اسم عربی است که در بیش از دویست دایرة المعارف، لغت نامه و فرهنگ از Oim و مناختای عصر ساسانی گرفته تا لغت فرس و فرهنگ‌های جهانگیری، آندراج و برهان قاطع تا کتب معاصرین هم‌چون دهخدا، معین، عمید و ... به انحاء مختلف و با توجه به شرایط و شیوه کار و معنی و مفهوم آن در دوره‌های گوناگون و در مسیر تاریخی خود دستخوش تغییر و تحول شده، گاهی کهنه و منسوخ و گاه لغتی دیگر رایج و متداول شده است.

واژه «قانون» در اصل از ریشهٔ زبان یونانی است و در عصر عباسیان وارد فرهنگ و زبان عربی شد. از قوانین اجتماعی «مانو» قانونگذار عهد عتیق تا سنگ نبشته‌های قوانین «حمورابی» که هم‌اکنون در موزهٔ لوور پاریس نگهداری می‌شود، از «سقراط» معلم اخلاق و نظم، زمانی که محکوم به مرگ شد؛ و چون قانون را محترم می‌شمرد، در نهایت خونسردی جام شوکران را سرکشید و بدرود حیات گفت تا «سولون» دانشمند آزادی‌خواه یونانی که قوانینی برای رفاه و آسایش آتنی‌ها وضع کرد. از شفای «بوعلی سینا» تاسیاست‌نامهٔ «نظام‌الملک» از ژول گری» فرانسوی و جمهوری سومش تا «ژان ژاک روسو»، «ولتر»، تعلیمات «آگوست کنت» و «شارل منتسکیو» با اثر معروفش روح القوانين از مجلس شورای مهستان در دوره اشکانیان و از مجمل‌الاصول کوشیار تا نصایح پدر سالارانه «سعدی» در گلستان و بوستان و از تلاش شبانه روزی «میرزا تقی‌خان امیرکبیر» که می‌خواست حکومت قانون را در کشور پیاده کند و نظمی که در کشور برقرار کرد به «نظم تقی‌خانی» شهرت یافت، تا زمان انتشار روزنامه «قانون» زیر نظر «میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله» ... تاریخ بشر پر است از زندگی مردمانی که در دوران‌های مختلف با عقاید، آداب و رسوم گوناگون، از هم گسیخته و پلشتی زندگی می‌کرده‌اند که برای ادارهٔ خود و کشورشان نیازمند فراگیری قواعدی منظم، اصولی و منطبق با شرایط جغرافیایی، فرهنگ و مردم خود در همه زمینه‌های اجتماعی بودند. اخذ تجارب گوناگون ملل در مبارزه و تلاش بی‌وقفه برای تحصیل، تدوین، اصلاح و لزوم استقرار حکومت قانون جهت شناخت حقوق جامعه خود و حقوق انسانی تک‌تک افراد آن در فنون مختلف (از مملکت‌داری، دین و سیاست گرفته تا تجارت، بهداشت و غذا) - همان گونه که در سطور بالا قبلاً به نمونه‌هایی از این تلاش‌های ماندگار بشری اشاره شد - از دیرباز مورد توجه، الهام و حتی تقلید مردم در سراسر جهان بوده است و کشور ما هم از این مسئله مستثنی نبوده و نیست. اما به دلیل استبداد حکام گونه‌گون بر کشور و فساد دیوانیان و دربار و کاهلی و تن‌پروری و خواب‌آلودگی اختیاری یا اجباری اقشار مختلف مردم و بی‌سوادی و کم‌سوادی

شماره پنجم

شماره پنجم



این روزنامه شریفی کبیر به طبع میرد

قیمت نسخه کبیران با نیکت مان دو هزار تومانی



جناب اشرف هاشم الدوله رئیس کبیر

جناب اشرف پرنس میرزا گلخان هاشم الدوله رئیس کبیر دولت علیه ایران تیسیم دربار دولت قیامه پنجاه سال هزار دوست و چهل نه جری در آصفهان متولد شده چون اسباب تحصیل و تربیت ایشان از همان طفولیت بطور خوب فراهم بود علوم معتدات با

ورود قانون به ایران ممنوع!

• تصویری از میرزا ملکم خان بعد از گرفتن لقب ناظم الدوله و سفارت کبری روی جلد روزنامه شرف

به اصطلاح نخبگان و پراکندگی و تفرقه مردم و بافت خرافی و جهالت عمیق آن‌ها که نسل اندر نسل به همین ترتیب آمدند، زندگی کردند و رفتند، لهذا برپایی حکومت قانون و ایجاد نظم؛ حال با هر اندیشه و تفکر و مذهبی هنوز و همیشه بعید و لامحاله به نظر می‌رسید. علی‌الخصوص این که حکومتی با چنین تعریفی اول می‌بایست در میان مردمی که تعریفش رفت، مقبولیت می‌یافت!

راز یک کلمه

«میرزا یوسف خانه مستشارالدوله» رجل سیاسی که اصول عقاید و افکارش را در رساله‌ای تحت عنوان «یک کلمه» بیان کرده است، در مورد انتخاب عنوان «قانون» برای رساله‌اش گفته است که وقتی از «ملکم خان» علت ترقی و پیشرفت فرانسه و عقب افتادگی ایران را سؤال کرده وی در پاسخ به او گفته است: علت پیشرفت و ترقی فرانسه و اصل نظم در این کشور یک کلمه است و آن کلمه «قانون» است.

و «دکتر عبدالحسین نوایی» پژوهشگر معاصر طی مقاله‌ای در مجله یادگار از «قانون» چنین یاد می‌کند:

«شاید امروز کلمه قانون چندان تازگی نداشته باشد ولی باید در نظر گرفت که این کلمه در زمان ناصرالدین شاه، یعنی در دورانی مطرح شد که ادای لفظ قانون جرم شناخته می‌شد و سیدجمال‌الدین اسدآبادی - معروف را به همین جرم از ایران بیرون کردند و از جمله توهین‌ها و اتهام‌هایی که به او بستند یکی هم این بود که به او می‌گفتند: قانونی ...!»

بنابراین بسیار واضح است که اندیشیدن و تفکر درباره کلمه «قانون» و ترویج معنی و مفهوم آن در میان طبقات مختلف مردم در عصر سیاه ناصری برای مردمی هم‌چون «میرزا ملکم خان» که سال‌های زیادی از عمرش را در بلاد مختلف جهان گذرانده و با اخذ فرهنگ و تمدن اروپایی و داشتن اطلاعات خارجه و تسلط به چندین زبان زنده دنیا و تکمیل تحصیلات عالی در پاریس مهد تمدن، نظم و قانون آن روزگار چه قدر مهم، حیاتی و صد البته خطرناک و پر مسئولیت بوده است. کسی که معتقد بود: «اگر مردم ایران خود را محتاج به دانستن قانون دیدند می‌بایست هر آینه در تعلیم و تفهیم قانون بر یکدیگر سبقت گرفته و به تدریج کارها و امور را اصلاح کنند.»

به‌خصوص این که خود «ملکم خان» در سنوات ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق. مستشاری حاج میرزا

حسین خان مستشارالدوله به عنوان مستشار عظمی را داشته و در تنظیم و نوشتن یک قسمت از لویح و قوانین که از طرف مشیرالدوله به عنوان بخش نامه، آیین نامه، دستورالعمل و غیره منتشر می شده در آنها دست داشته است. دفتر تنظیمات یا قانون ملکم و «کتابچه غیبی» را هم ایشان در همان دوره نوشته است.

قانون از نظر «ملکم خان» عبارت است از: «اجتماع قوای آحاد یک جماعت به جهت حفظ حقوق عامه ...» وی همچنین عقیده داشت: «قانون عدالتخواه است و نامش نیز بر این گواهی می دهد.» «میرزا ملکم خان» زمینه های اجرایی قانون را هم این گونه نوید می دهد: «قانون ظاهر نخواهد شد مگر به حکم شورای کبرا و این شورای کبرا به وجود نخواهد آمد مگر به اتفاق ملت ...»

نظر علما درباره قانون

«میرزا ملکم خان» به همراه «سید جمال الدین اسدآبادی» به عنوان دو پیشگام قانون و دگرگونی در آن دوران نقش پر اهمیتی برعهده می گیرند و زمینه را برای حکومت قانون بنیاد فکری مشروطه آماده می کنند. زمانی که «ملکم» از نوشتن قانون و شورای کبرا حرف می زند، بسیاری از علما جذب کلام او می شوند و تلاش می کنند که حرف های او را با اسلام هماهنگ کنند. برای نمونه علمایی چون «سید محمد طباطبائی» و «سید عبدالله بهبهانی» اگر هم قانونگذاری و مجلس برخاسته از شریعت یا مبتنی بر آن نمی بینند، آن را برای نیرومندی و نظم در ایران ضروری می یابند یا «آخوند ملاکام خراسانی» و «حاجی شیخ عبدالله مازندرانی» معتقدند: «اکنون که صاحب شریعت ناپیدا است و اجرای شریعت نمی شود و خواه ناخواه حکام جور چیره گردیده اند باری بهتر است از خودکامگی و ستمگری ایشان قانونی در میان باشد.» و عقلای امت، مجلس برپا کرده و در کارها شور کنند. «اما افرادی چون «شیخ فضل الله نوری» قانون گذاری بشری را بدعتی در برابر فقه و اکثریت آراء و وکالت را بدعتی در مقابل ولایت شرعی می داند و می نویسد: «تا این که گفتند: قانون ...! قانون اساسی می نویسیم، درحالی که نوشتن قانون در برابر قانون اسلام بدعت است. قانون ما اسلام است و آن امری ولایتی است و نه به اکثریت آراء و وکالت آزاد بشری، این مسئله در غیبت به فقها و مجتهدان مربوط می شود و نه کسان دیگر ... «لازم به ذکر است ایده نظارت فقها بر مصوبات مجلس، که برای اولین بار توسط «شیخ فضل الله» مطرح شد، بعدها

با تلاش‌های «مدرس» ادامه یافت و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز متبلور شد.

اندیشه قانون‌خواهی در ایران

گرچه اندیشه قانون‌خواهی در ایران تنها از «میرزا ملکم خان» نبوده و نیست، اما نقش «روزنامه قانون» در بیداری افکار مردم ایران و اهل قلم و سیاست بسیار مهم و موثر است. گفتنی است لزوم حکومت قانون سال‌ها قبل از انتشار «روزنامه قانون» بر سر زبان‌ها بود. اقدامات «میرزا حسین خان سپهسالار» در ایجاد «مصلحت‌خانه» و ترجمه قانون عثمانی نیز که توسط «مدحت پاشا» نهاده شد و تکثیر آن در «روزنامه اختر» در ایران بی‌تأثیر نبود. قبل از «ملکم‌خان» روزنامه «اختر» برای اولین بار مقالاتی درباره فواید قانون انتشار داد و همکاران «اختر» همان‌هایی‌اند که بعدها با «روزنامه قانون» همکاری می‌کردند. اما «روزنامه قانون» جسارت و انشای دیگری داشت و انتشار اولین شماره آن دقیقاً مصادف شد با برانگیختن هیجان عمومی مردم بر اثر اعطای امتیاز توتون توسط ناصرالدین شاه به انگلیسی‌ها ...

«میرزا ملکم خان» که در این زمان مغضوب دستگاه «ناصرالدین شاه» شده و از همه مشاغل و امتیازات، القاب و عناوین (هم چون پرنس، ناظم الملک، سفیرکبیری و وزیرمختاری لندن) خلع شده بود و در لندن به سر می‌برد، با «ادوارد براون» مستشرق و مشاور سیاست خارجی انگلستان در مشرق روابط نزدیکی پیدا کرده به طوری که در هفته چند روز یک‌دیگر را می‌دیدند. «براون» در خانه «ملکم خان» با «سید جمال‌الدین اسدآبادی» که پس از غائله شهر ری علیه پادشاه و صدراعظم ایران به عراق تبعید شده و سر از لندن درآورده و در خانه «ملکم خان» سکنی گزیده بود، آشنا شد و چون هر دو را مستعد قیام علیه شاه دانست، به مبارزه تحریک و تشویق‌شان کرد. «سید جمال» با کمک «ملکم» شبنامه‌ها و اعلامیه‌هایی علیه شاه و صدراعظم نوشته در عثمانی، ایران و برخی ممالک مسلمان و اروپایی پخش کرد. وقتی نسخ این نوشته‌ها به تهران و دربار رسید، صدراعظم از شاه اجازه گرفت تا علیه «ملکم» و «سید» مقالاتی را در روزنامه «ایران» و «اطلاع» در تهران و «اختر» در اسلامبول بنویسد و شاه به او اجازه داد. امین‌السلطان که با «میرزا ملکم خان» دشمنی دیرینه داشت برای این‌که ضربات قاطعی به حریف وارد کند، نوشته‌ها را شدیدتر منتشر کرد و «ملکم خان» چاره کار را در آن دید که پخش شبنامه و اعلامیه علیه شاه و صدراعظم را وسیع‌تر کند.

انگیزه‌های انتشار قانون

«ملکم‌خان» که تا آن زمان تجربه مترجمی دولت، تأسیس خط تلگراف، راه‌اندازی و اداره فراموشخانه، ایام تبعید به عثمانی و مصر، وزیر مختاری و سفیر کبیری ایران در لندن، ارائه طرح تأسیس بانک ملی و راه‌آهن تهران و امتیاز لاتاری در کارنامه کاری خود داشت، به تازگی از سفارت لندن معزول و مغضوب شده بود، بهترین فرصت را برای ترویج افکار خود در باب مبارزه با فساد سلطنت و ترویج افکار آزادی‌خواهی و قانون‌طلبی با انتشار «روزنامه قانون» پیدا کرد. خود او در یک نامه دولتی نوشته است: «ایام بی‌کاری بنده گاهی بهترین وسیله خدمت بوده است».

البته ناگفته نماند که اگر با امتیاز لاتاری «میرزا ملکم‌خان» مخالفت نمی‌شد و او را از مقام‌ها و القابش محروم نمی‌ساختند، شاید هیچ‌گاه «روزنامه قانون» به این شکل تهاجمی و با این سبک و نثر پا به عرصه وجود نمی‌گذاشت.

طغیان «ملکم» برای گرفتن انتقام از شاه و دیگر دشمنان داخلی و نامه تهدیدآمیزی که وی پس از لغو امتیاز لاتاری و عزلش به «میرزا علی اصغر خان امین السلطان» صدر اعظم وقت نوشت، نه تنها انگیزه انتشار قانون، بل دلیل حمله‌های بی‌امان و سخت نویسی بر ضد امین‌السلطان را نشان می‌دهد. البته باید در نظر داشت که در سال ۱۲۹۵ قمری یعنی حدود دوازده سال پیش از انتشار روزنامه، «میرزا ملکم‌خان» در نامه‌ای به وزارت امور خارجه آزرده‌گی خاطر خود را با تهدید به انتشار یک روزنامه فارسی مردمی و پرتیراژ در خارج نشان داده بود.

نخستین شماره قانون

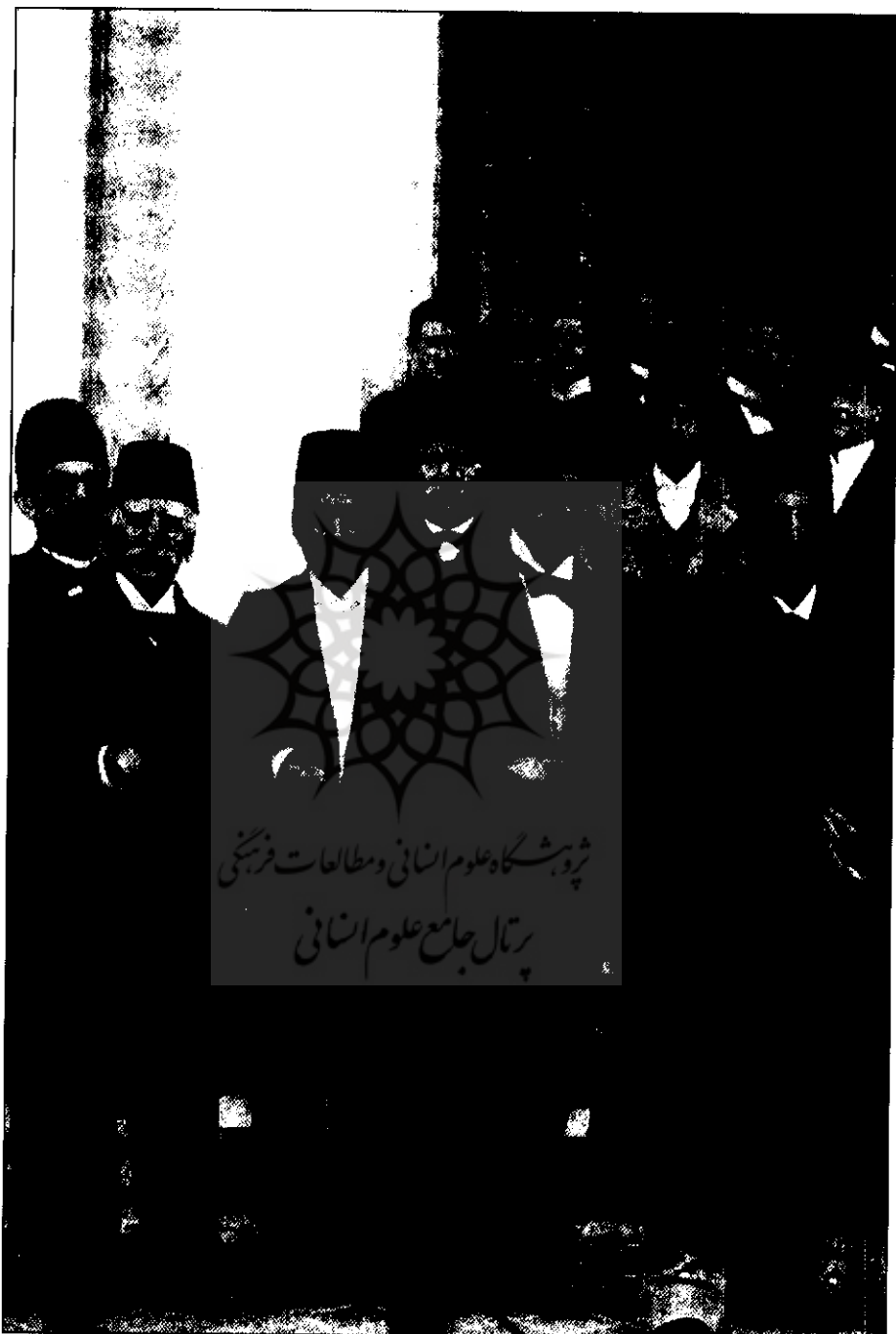
نخستین شماره نشریه «قانون» شانزده سال قبل از اوج‌گیری جنبش مشروطه، در سوم اسفند ۱۲۶۵ شمسی برابر با اول رجب ۱۳۰۷ هجری قمری یعنی ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ در ۸ برگ در لندن انتشار یافت و از آن تاریخ تا امروز ۱۲۰ سال می‌گذرد.

«ملکم‌خان» برای انتشار «قانون» اجازه رسمی از دولت بریتانیا گرفته بود، لیکن حق توزیع روزنامه فقط به خارج از آن کشور منحصر می‌شد، در ابتدای انتشار «قانون» ماهانه بود و پس از شماره‌های ششم و هفتم هیچ‌یک از شماره‌های قانون دارای تاریخ انتشار نیست. این روزنامه تا دو سال پس از مرگ «ناصرالدین شاه» چاپ می‌شده و آخرین شماره آن به

سال ۱۳۵۱ قمری نشر یافته است و فعالیت روزنامه‌نگاری «ملکم» با ترور «ناصرالدین شاه» به دست «میرزا رضای کرمانی» از شاگردان سیدجمال متوقف نشد.

«ناصرالدین پروین» در جلد اول کتاب «تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان» فصل یازدهم مربوط به «قانون» می‌نویسد: «قانون» نخستین روزنامه فارسی زبان اروپا بعد از روزنامه‌های ترکی، عربی و ارمنی در لندن به چاپ رسید و توجه عمده آن به پارسی زبانان ایران، افغانستان و گروه‌های پراکنده آنان در ممالک عثمانی بود. «ملکم‌خان» در آغاز انتشار در این که «قانون» را چه بنامد، سردرگم بود. او در شماره‌های نخستین نشریه خود را روزنامه و گاهی جریده نامیده است. برای نخستین بار در شماره دهم به جای این دو نام «الواح» - که اصطلاحی قرآنی است - آمده و جالب‌تر آن که نام روزنامه را نیز به صورت جمع عربی «قوانین» در کنار «الواح»، «جراید» و «نسخه‌ها» نهاده و یا به همین صورت جمع «قوانین» را برای یادآوری نام نشریه آورده است. پس از انتشار دوازده شماره «ملکم‌خان» که خود با ابهام تعلق «قانون» به یکی از انواع آثار چاپی روبه‌رو بود، به صراحت یادآور می‌شود: «این الواح قوانین، روزنامه نیستند که هر روز یک تازگی داشته باشند. جمع این الواح عبارت است از یک کتاب که اگر با پست هم نرسد، همه وقت تازه خواهد بود». و این گمان را تاریخ‌گذاری و آوردن نشانی و بهای روزنامه - که بعد از آن صرف‌نظر شد - تأیید می‌کند. علاوه بر این قانون به صورت نشریه‌ای «ادواری» اجازه انتشار داشته و خود را به زبان انگلیسی Priodical should نامیده است.

«پروفیسور ادوارد براون» در کتاب تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت درباره چاپ و نشر «قانون» چنین می‌نویسد: «روزنامه قانون چاپ لندن به تاریخ سال ۱۳۰۷ هجری قمری مطابق با سال (۱۸۸۹-۹۰ میلادی) ناشر و محرر آن میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله می‌باشد. ورود این روزنامه به ایران ممنوع بوده است بدین جهت این روزنامه پیش کسانی که مالک آن بودند بسیار گران‌بها بود و به همین دلیل بعد از اعلام مشروطیت برای ازدیاد نسخ آن توسط هاشم ربیع‌زاده (تبریزی) تجدید چاپ گردید. به شماره ۱۶۳ رابینو مراجعه شود. بنابه اظهار مشارالیه تجدید چاپ آن در سال ۱۳۲۶ هجری قمری انجام گرفته و او ۲۴ شماره‌اش را دیده است. این جانب دوره کامل چاپ اصل لندن را دارم. از این روزنامه ۴۱ شماره انتشار یافته، شماره اول آن در تاریخ ۲۰ فوریه سال ۱۸۹۰ به چاپ رسیده



شروع نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ورود قانون به ایران ممنوع!

• لندن - مظفرالدین شاه در سفر فرنگ به همراه میرزا ملکم خان و رجال قاجار

برای توضیحات بیشتر صفحه ۴۲-۳۵ (تاریخ انقلاب ایران) تألیف این جانب را ملاحظه فرمائید، هر شماره آن به قطع $(\frac{3}{4} \times 8 \frac{1}{4})$ می باشد.

«مهدی بامداد» صاحب کتاب «شرح حال رجال ایران» می نویسد: اولین شماره روزنامه «قانون» دو ماه و اندی پس از عزل «ملکم خان» انتشار یافت و روی هم رفته ۴۲ شماره از آن منتشر گردید. لکن «ادوارد براون» در کتاب «تاریخ انقلاب ایران» به جای ۴۲ شماره ۴۱ شماره و مدت انتشار آن را سه سال و نیم ذکر نموده است. «ناصرالدین پروین» درباره تعداد انتشار روزنامه و زمان آن می نویسد: روزنامه «قانون» چهل و یک شماره به چاپ رسیده است ولی شماره های ۱۲، ۱۳، ۳۲ و ۳۳ به دست نیامده اند. دور نیست که برخی از مقاله های جداگانه ای که ملکم در لندن نوشته و بدون عنوان قانون به همان قطع و حروف چاپ کرده و نمونه هایش در دست است، به جای این چهار شماره کسری انتشار یافته باشند.

«ملکم خان» در شماره ۱۸ نشریه اش سه بار تجدید چاپ قانون را در لندن و ایران خبر می دهد و بعدها نیز در ایران قانون را سه بار تجدید چاپ کردند و چاپ سوم به کوشش «هما ناطق» حاوی تمامی شماره های موجود آن است که برخی شماره های آن ضمیمه این مقاله است.

«محمد گلبن» در ماهنامه ادبی «کلک» و در پیش درآمد مقاله مفصل «تجدید چاپی ها» می نویسد: «مجموعه روزنامه ها و مجله هایی که تا به امروز تجدید چاپ شده اند بالغ بر شصت عنوان است. در این جا مقصود ما روزنامه ها و مجله هایی است که به صورت افست تجدید چاپ شده اند نه نشریاتی که به چاپ دوم و سوم هم رسیده اند.» و در ادامه مقاله خود را با روزنامه «قانون» شروع می کند و پس از آن تجدید چاپی ها را به ترتیب حرف الفبا می آورد. «گلبن» در ذیل باب «قانون» می نویسد: «روزنامه قانون از همان اوان انتشار در بسیاری از بلاد اسلامی مانند ایران، افغانستان، ترکستان، قفقاز، عثمانی و ... جای خود را باز کرد و خواهان بسیار داشت. نظر به مشکلات پست و دیر رسیدن روزنامه به دست خوانندگان آن، در شهر تبریز «هاشم ربیع زاده» و در تهران «میرزا نصرالله خان» منشی سفارت اتریش و ده ها نفر دیگر در تکثیر و تجدید چاپ قانون دخالت داشتند. قطع و اندازه «قانون» که در تهران و تبریز چاپ می شد به همان اندازه چاپ لندن بوده، اما در سر لوحه چاپ تبریز و تهران مختصر تغییراتی دیده می شود که به قرار زیر است: روزنامه قانون چاپ

لندن در سرلوحه عنوان آمده: «قانون نمره مثلاً ۹ - اتفاق - عدالت - ترقی، قیمت هر نمره یک تومان». اما در سرلوحه «قانون» چاپ تبریز و تهران آمده «صفحه ۱- قانون نمره ۹» در زیر آن آمده «کپی» بعد عنوان روزنامه «قانون» و سپس در دو طرف کلمه «قانون» دو فرشته آمده که پیکانی در دست راست دارند. در قسمت راست عنوان آمده «قیمت اشتراک فهم کافی هفته یک نمره طبع و توزیع می‌شود» زیر کلمه قانون هم آمده «پرنس میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله» و در زیر عنوان روزنامه با مهر قرمز نوشته‌اند: «قیمت ۵ شاهی، اشتراک سالیانه طهران، ۲۰ قران، سایر ولایات ۲۵ قران، خارجه ۱۵ فرانک، طهران هاشم ربیع‌زاده» زیر عنوان این مطالب ذکر شده است: «عمل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد ۳۸ لندن، محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت». ظاهراً کامل‌ترین دوره‌ای که از قانون به جا مانده دوره‌ای است که متعلق به «ادوارد براون» انگلیسی بوده و اینک در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگاهداری می‌شود و در بعضی از شماره‌های آن یادداشتی به قلم «براون» در حواشی نشریه دیده می‌شود. برخی از شماره‌های «قانون» اسامی دیگری داشتند از جمله شماره ۳ به عنوان «حجت» انتشار یافته است. روزنامه «قانون» را «ایرج افشار» و «هما ناطق» در سال ۱۳۵۵ شمسی و انتشارات کویر در سال ۱۳۶۹ شمسی هر یک جداگانه منتشر کردند.

برای خواننده علاقمند به تاریخ مطبوعات باید اضافه کرد «گلبن» در ادامه مقاله خود پیرامون نشریات تجدید چاپی فارسی اسامی آن‌ها را به ترتیب الفبا چنین آورده است: آینده، اتفاق کارگران، اردوی همایون، ارمغان، اطلاعات، انجمن تبریز، ایران، ایرانشهر، بعثت، بهار، پروین، پیکار، تیاتر، جمهوری اسلامی، جنبش، جنگل، جنوب، حقیقت، خاطرات وحید، دانش، دانشکده، دنیا، راه مصدق، روح‌القدس، روزنامه حکم الممالک، روزنامه ملت سنیه ایران، روزنامه وقایع اتفاقیه، سالنامه دولت ایران، ستاره سرخ، سخن، شرافت، شرف، صدای ملت، صور اسرافیل، عروه‌الوثقی، فرهنگ ایران زمین، کاغذ اخبار، کاوه، کمونیست، کیهان، گل سرخ، لویح شیخ فضل‌الله نوری، مجاهد، محیط، مدرسه مبارکه دارالفنون تبریز، مرات السفر و مشکوه‌الحضر، مردم، مردم ایران، ناله ملت، نهضت، وحید، وقایع عدلیه، یادگار و یغما.

هدف از انتشار قانون

«ملکم خان» قصد و هدف خویش را از انتشار روزنامه «قانون» در نامه‌ای به سفیر عثمانی در ایران چنین بیان می‌کند: «زبده اصول فکری که من می‌خواهم به تدریج به وسیله یک روزنامه مردمی که در تمامی ایران پخش می‌شود بیان کنم، اصولی است بر سایه اسلام و مغایرتی با علم و اخلاق ندارد. هم‌چنین ادعای برابری با عقاید لیبرالیسم غربی نیز نمی‌کند بلکه فقط طالب حق است. به عنوان هدف فوری، خواست من بیش از این نیست که دولت ما به ما قانون بدهد. کدام قانون؟ همان قانونی که خود شاه خواهان آن است. قانونی که حداقل تأمین جانی و مالی ما را تضمین نماید. قانونی که شاید بتوان ما را از هرج و مرج وحشتناک و دزدی‌های سازمان یافته در امان دارد. به ضرورت بگویم که وقتی من از فساد حکومت گفت و گو می‌کنم قصد انتقاد از هیچ شخص بخصوصی را ندارم. این فساد زائیده نظام است و نه فرد».

مکتب ملکم

«ملکم» تحصیلات عالی زبان و ادبیات فارسی و عربی نداشت و از مجموع سنوات عمرش فقط در حدود ۲۰ سال در ایران به سر برد. (قابل ذکر است که ملکم در زمان انتشار قانون ۵۷ ساله بود) اما به واسطه داشتن هوش و استعداد فوق‌العاده و از همه مهمتر شغل مترجمی و نویسندگی، صاحب مکتب و روشی مخصوص در فرهنگ و ادبیات ایران شد. به طوری که «ملک الشعراى بهار» در کتاب «سبک‌شناسی» برای او مقام ادبی خاصی قائل است و می‌نویسد: «ملکم» سبک خاصی در نثر پیش گرفت که می‌توان «مکتب ملکم» نامید ... به شیوه سؤال و جواب و به طرز تئاتر رساله‌هایی می‌نوشت و قصدش اصلاح و ایجاد قانون بود. او اساساً با مبالغه و جملات مطول و کلمات مترادف، مخالف بود و برای نجات خود از عبارت نویسی و مغلق نویسی در وزارت خارجه و سفارت ایران در انگلیس و ایتالیا، سبک جدیدی به وجود آورد.

نسیم مشروطیت

به هر حال در بحث علمی و عملی از ادبیات معاصر ایران، بنابه دلایل مختلف می‌باید نهضت مشروطیت را مبدأ قرار داد. اهم این دلایل عبارتند از:

۱- با آغاز پیدایش افکار مشروطه‌خواهی نظم و نثر فارسی دچار تحول گردید و مفاهیم،

کلمات و مضامین جدیدی در جهت افکار آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری در نظم و نثر راه یافت.

۲- افکار آزادی‌خواهی و نهضت مشروطیت‌طلبی باب ادبیات سیاسی را در ایران گشود و رشته جدیدی به نام «ادبیات سیاسی» به رشته‌های سنتی مانند ادبیات حماسی، ادبیات بزمی و غیره اضافه کرد.

۳- افکار مشروطه‌خواهی و آغاز نهضت مشروطیت به انتشار روزنامه‌های مردمی و پیدایش رشته جدیدی به نام روزنامه‌نگاری کمک کرد و نویسندگان صاحب‌نامی را در مکتب جدید تربیت نمود. روزنامه‌هایی که از عوامل مؤثر در برپایی جریان و جنبش مشروطیت ایران بودند.

۴- ترجمه کتاب‌ها و مقالات و آثار مختلف از زبان‌های اروپایی به فارسی که غالباً توسط محصلین روشنفکر و پویای اعزامی به خارج انجام گرفت، تحولی در نظم و نثر سنتی و ایستای فارسی پدید آورد.

۵- تأسیس دارالفنون و حضور مدرسان و مترجمان دنیا دیده و از فرنگ برگشته، تأثیر به‌سزایی در فرهنگ، زندگی و محتوای کتاب‌ها روابط و تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان ایران گذاشت.

نثر پیچیده، خشک و پرتکلف فارسی گذشته که طی چند قرن شیوه رایج نویسندگان بود و با تأسیس دارالفنون شکل و شیوه جدیدی به خود گرفته بود با کوشش‌ها و مجاهدت‌های «امیرکبیر» و «قائم‌مقام فراهانی» موجبات تغییر و تحول در افکار و اندیشه مردم و نثر فارسی گردید اما انقلاب اساسی در ادبیات فارسی در دوره پیشا مشروطیت، مشروطیت و پسا مشروطیت انجام گرفت. در این دوره نثر وارد مرحله جدیدی گردید و در این دوره ظهور نویسندگانی چند در رشته داستان‌های انتقادی، طنز، تاریخی، اجتماعی و سیاسی به رواج شیوه جدید کمک بسیار کرد که از آن جمله‌اند: «عبدالرحیم طالبوف»، «زین‌العابدین مراغه‌ای»، «محمدباقر خسروی»، «شیخ موسی کبودرآهنگی»، «عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی»، «میرزا حسن خان بدیع»، «محمدحسین فروغی»، «دهخدا»، «میرزا فتحعلی آخوندزاده»، «میرزا آقاخان کرمانی» و «میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله» ...

استفاده از تجربیات گذشته

اسماعیل رابین در کتاب «میرزا ملکم خان» در این باره می‌نویسد: پیدایش سبک خاص ملکم بیشتر از آن جهت بود که وی در مدرسه دارالفنون موظف به ترجمه دروس استادان اروپایی، از فرانسه به فارسی و همچنین تدریس علوم جدید و بی‌سابقه در فرنگستان به مبتدیان مدرسه بود. وی هم‌چنین در دستگاه دیوان و دربار قاجار سبک خاصی به وجود آورد و بهترین فرصت برای ترویج افکار و سبک و نثر مخصوص او هنگامی بود که روزنامه «قانون» را منتشر کرد.

«محمدحسن خان اعتمادالسلطنه» که خود در نوشتن و ترجمه بی‌همتا بود و جراید اروپا را برای ناصرالدین شاه در سر ناهار، فی‌الغور ترجمه می‌کرد، او را ستایش کرده و می‌نویسد: «روزنامه‌ای موسوم به «قانون» در ضد «امین‌السلطان»، «میرزا ملکم خان» در لندن به فارسی چاپ کرده نسخه‌ای برای من فرستاده بود. حقیقت در سخت نویسی ید بیضا کرده است.»

از کارهای دیگر ملکم خان الفبای اختراعی او به جای الفبای عربی است که آن را در پاریس چاپ کرد وی یکی از علل انحطاط و عقب‌ماندگی ایران از قافله علم و معرفت جدید را سیاق الفبای فارسی دانسته و اصلاح آن را برای اخذ تمدن غربی لازم می‌داند.

«ملکم خان» هم‌چنین در رساله دیگرش به نام «فرقه کج بینان» از نویسندگان و شاعران سستی و تن پرور عهد قدیم و جدید به تفصیل انتقاد کرده و می‌نویسد: «در سالی که وبا در ایران کشتار می‌کرد، نویسندگان می‌نوشتند: (... رقیمة شریفه کریمه، در احسن ازمنه واصل شد). هیچ‌کس نمی‌پرسد که ای بی‌انصاف یاوه‌گو، احسن از مننه که وقت وبایی باشد، اگرهش کی خواهد بود؟»

«ملکم خان» هم‌چنین قطعه‌ای را با نثری روان و سلیس از اشعار «میرابو» ترجمه کرده تحت‌عنوان «حریت» که سخت خواندنی است.

هم‌چنین باید از کتاب دو رساله «سیاحی گوید» یا «شهر چهار چشمان» نوشته‌ای دیگر از «ملکم خان» یاد کرد که از زبان یک گردشگر و سیاح خارجی، اوضاع شهری و اجتماعی و وضع ظاهری و رفاهی و سیاحتی ایران را حکایت می‌کند. وی در این رساله انتقادات شدیدی از جوامع ایران می‌نماید. «اسماعیل رابین» در این باره چنین می‌نویسد: «نشست و

برخاست و گفتگوی روزمره مردم آن زمان، دروغ‌ها و دغل‌هایی که آخوند به میرزا، شاهزاده به وزیر و تاجر به مردم می‌گفت، همه را تشریح کرده و بیشتر انتقادات متوجه مذهبی‌ها و آخوندهاست.» ملکم از زبان سیاح می‌نویسد: «بعد از این که از خانه مفسد بیرون آمدم، در میان چندین فرقه غیب که همه از طایفه کج بینان بودند و هر کدام به یک نوع دیوانگی اختصاص داشتند به گیر افتادم. بعضی می‌خواستند که از قران کواکب، سرنوشت مردم را معلوم نمایند، جمعی هم معتقد این بودند که زبان نه برای ادای مطلب بل برای ترتیب سجع و تزیین وقت اختراع شده ...»

آثار دیگر ملکم‌خان

نمونه‌هایی که از رسالات «ملکم‌خان» در بالا نقل شد در عین حال که دغدغه «ملکم‌خان» را برای سامان‌دهی به امور نابسامان فرهنگ، الفبا، ادبیات، ترجمه، امور سیاحتی و گردشگری و مسائل مملکتی نشان می‌دهد، ضمناً ظرافت و زیبایی نثر ساده و روان او را هم جلوه‌گر می‌شود. باید اضافه کرد که در کنار کتب فوق‌الذکر، تعداد مراسلات، رسالات، کتابچه‌ها و نمایشنامه‌های او به دویست می‌رسد که برخی از آن جمله‌اند: ۱- اصول آدمیت (با الهام از دین انسان‌دوستی آگوست کنت) که به قانون اساسی فراموش‌خانه ملکم نیز شهرت دارد ۲- کتابچه مرو و ترکمان ۳- اصول مذهب دیوانیان ۴- منافع آزادی ۵- قوانین اساسی دولت ۶- کتابچه غیبی ۷- فراموشخانه ۸- دفتر قانون ۹- اصول ترقی ۱۰- تأسیس بانک ملی ۱۱- دستگاه دیوان ۱۲- صراط مستقیم ۱۳- توفیق امانت ۱۴- خدای عدالت ۱۵- مفتاح ۱۶- حرف غریب ۱۷- طرح تازه یا کلید نجات ایران ۱۸- نمایشنامه گذشت اشرف خان حاکم عربستان در ایام توقف او در تهران ۱۹- نمایشنامه حکایت کربلا رفتن شاهقلی میرزا و ایام توقف در کرمانشاهان و ...

تاریخ نگاری مطبوعاتی

«ای. اچ. کار» در کتاب «تاریخ چیست؟» می‌نویسد: «تاریخ به‌طور کلی دفتر ثبت کارهایی است که افراد انجام داده‌اند، نه آنچه از عهده برنیامده‌اند.»

به راستی تاریخ چیست؟ جامعه ما چه تعریفی از تاریخ دارد؟ آیا نگرش ما به تاریخ از نخست درست بوده است؟ آیا تاریخ مبدأ زمان است؟ آیا انسان در حوادث تاریخی نقش دارد؟ تاریخ ملی و فرا ملی چیست؟ آیا تاریخ علم است یا هنر؟ فلسفه تاریخ چیست؟ و

... «دهخدا» در لغت نامه خود ۳۵ صفحه به مدخل تاریخ و کلمات مرتبط و ترکیبات آن پرداخته است در این میان چیزی که چشمگیر است تاکید «دهخدا» به نقش و تاثیر انسان در رویدادها و حوادث تاریخی است که امر بسیار مهمی است. اگر جنگ ایران و روس را بنا به نوشته «ابوالفضل شکوری» زمان مناسبی برای ورود به بحث تاریخ معاصر در ایران بدانیم و بیداری ایرانیان را از قیام مردم علیه «گریبایدوف»، نهضت تنباکو و به حساب آوریم و گفتمان مشروطه ایران را به صورت الگو و عنوان پایه‌ای برای تاریخ نگاری جدید در ایران تصور کنیم، مطمئناً در میان مورخان و نویسندگان تحقیقات تاریخی، سهم «کسروی» کمتر از دیگران نخواهد بود. پیدایش نشریات ادواری مانند روزنامه‌ها، فصلنامه‌ها و مجلات گوناگون یکی از عوامل کیفی و کمی در تاریخ پژوهی و تاریخ نگاری در دوران معاصر است که ارزش علمی و عملی آن کمتر از کتاب «کسروی» نیست. عمر تاریخ نگاری مطبوعاتی در ایران از عمر تاریخ نویسی و برپایی نهضت مشروطیت هم بیشتر است و هسته‌های اولیه این نهضت بزرگ با پیدایی مطبوعات ملی و ترقی خواه در داخل و خارج از کشور کاشته شد. می‌دانیم که روزنامه خود کالایی وارداتی از فرنگ بود که هیچ شباهتی به برگ‌های چرمین حساب و کتاب زمان ساسانیان و کتیبه‌ها، الواح گلی، فرامین پادشاهی، جار جارچیان، منبر خطیبان و تومار شاعران نداشت. روزنامه خود میوه تجدد خواهی در غرب بود و محصولی از علم و اندیشه ... اولین عناوین و نام‌ها (در داخل و خارج) بر پیشانی نوشت نشریات بودند از: نیوز پیپر، ژورنال، گازت، نوول لیترا، الصحافه، روزنامه، کاغذ اخبار، تقویم وقایع، ورقه خبریه، جریده، صحیفه، الواح، نسخه و روزنامه ...

بنا به روایت مورخان اولین روزنامه فارسی را در جهان «رام مهان روی» متفکر هندی منتشر ساخت و چند شماره‌ای را هم به ایران فرستاد و دومین روزنامه فارسی را هم «میرزا محمد علی شیرازی» در کلکته انتشار داد علیه سیاست دولت انگلیس و به همین جهت بنا به نوشته «فریدون آدمیت»، سفیر انگلیس در تهران تقاضا کرده بود از ارسال آن به ایران جلوگیری شود! اما این روزنامه‌ها هیچ وقت در داخل و در میان مردم دیده نشدند. و حتی از این‌ها قبل تر باید به حضور روزنامه‌ها و مجلات اروپایی در زمان شاه عباس اول هم اشاره کرد که تعدادی محدود و آن هم برای دربار و سفارتخانه‌ها، همین ... اما ناکارآمد و دور از دست و چشم مردم.

نمره نوگرایی

اما حکایت خواندنی سرفصل تاریخ نگاری مطبوعات ایران از دوره‌ای شروع می‌شود که نوگرایی و غربگرایی به شیوه اروپایی با تلاش بنیانگذار آن «شاهزاده عباس میرزا» به ثمر می‌نشیند. نیاز به نوسازی در ایران همراه با اقداماتی در ارتش و نظام وظیفه، اعزام دانشجویان به خارج، استخدام چند رایزن نظامی و مهم تر از همه تاسیس چاپخانه‌ای در تبریز همراه می‌شود. البته باید گفت صنعت چاپ در ایران مربوط به دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار است و آغازگران صنعت چاپ در ایران دو نفر به اسامی «زین العابدین تبریزی» و «میرزا صالح شیرازی» که در تبریز براساس آنچه در منابع مختلف آمده است چاپخانه «زین العابدین تبریزی» در سال ۱۲۳۲ هجری قمری با چاپ کتاب «فتحنامه» نوشته «قائم مقام» کارش را شروع کرد و «میرزا صالح شیرازی» دو یا سه سال بعد چاپخانه سربی کوچک خود را به کار انداخت و سپس چاپ سنگی «میرزا اسدالله» هم به آن اضافه شد که بعدها برحسب فرمان شاه به تهران منتقل گردید. در سال ۱۲۵۲ هجری قمری نخستین نشریه فارسی در ایران را در قطع روزنامه «میرزا صالح شیرازی» به نام «کاغذ اخبار» منتشر ساخت که ترجمه تحت الفظی Newspaper انگلیسی است و هر ماه یک شماره به چاپ می‌رسیده است. بعدها «وقایع اتفاقیه» به صورت هفتگی به اراده «میرزا تقی خان امیرکبیر» منتشر شد و بالاخره نخستین روزنامه یومیه ایران به نام «خلاصه الحوادث» در زمان مظفرالدین شاه و قطع کوچک ۴ برگی منتشر شد، با حروف سربی و ...

لازم به ذکر است از روزنامه‌های مهمی که در آغاز بیداری مردم و شکل‌گیری هسته‌های انقلاب مشروطیت و اطلاع‌رسانی پیرامون اوضاع درهم ریخته قاجار منتشر شدند باید به «صوراسرافیل» در داخل ایران اشاره کرد و مهمتر از همه باید عناوین روزنامه‌هایی را آورد که توسط مبارزان و آزادیخواهان ایران در خارج از کشور منتشر می‌شدند و سخت مورد استقبال مردم بودند که عبارتند از: جیل‌المتین با ۳۵ هزار نسخه، ثریا، پرورش، چهره نما، اختر و روزنامه قانون که مثل زوروق قاجاقی می‌آمد و دست به دست می‌شد.

«میرزا فتحعلی آخوندزاده»، «محمد خان سینکی مجد الممالک»، «میرزا حسین خان سپهسالار»، «یوسف خان مستشار الدوله»، «عبدالرحیم طالبوف» و «میرزا ملکم خان ناظم الدوله» از جمله مبارزان و اندیشمندان گسترش طرح و تئوری اندیشه‌های مشروطه‌گری و

تاریخ نگاری مطبوعاتی بودند.

«حاج مخبر السلطنه هدایت» درباره افکار و مطالب ملکم خان در آن دوره می‌نویسد: «آن‌چه «ملکم» می‌نوشت، عبارت دیگر در «گلستان» و «بوستان» هست.» میرزا عباسقلی خان آدمیت از او با نام «استاد سیاست مدرن و فن ترقی» یاد می‌کند و بالاخره «دکتر فریدون آدمیت» درباره او می‌نویسد: «ملکم مردی بود جامعه شناس و سیاسی، بسیار زیرک و دانا، تیزبین و نقاد، جسور و سرسخت، دلیر و مبارز، در تاریخ بیداری افکار و نشر عقاید آزادی خواهی در ایران مسلماً مقام او بی همتاست. از بیست و پنج سالگی تا تقریباً دو ماه قبل از مرگش، یعنی در مدت بیش از پنجاه سال، با نوشتن رساله‌ها و مقالات و نامه‌های پر مغز خود، اندیشه آزادی را در ایران پراکند و مبانی حکومت ملی را تشریح و تفسیر کرد. در زمان خود تا مدت‌ها بعد مبرزترین کسی بود که در ایران اصول عقاید سیاسی جدید و فلسفه حکومت را آموخته بود که از تعمق و معرفت او به اصول علمی سیاست مدرن و فن قانونگذاری حکایت می‌کند.»

نویسندگان قانون

در میان شخصیت‌هایی که در پی‌ریزی روزنامه نگاری در تبعید و در بیداری ایرانیان نفوذ فوق العاده داشت و نقش مهمی بازی کرد، سید جمال الدین افغانی هم جای مخصوص دارد. زمانی که «سید» از مصر، عثمانی، هندوستان و ایران اخراج می‌شد، با تماس دائمی خود با روزنامه نگاران به گروه مهاجران آزادی‌خواه ایرانی پیوست. عقاید «سید جمال» در روزنامه «عروه الوثقی» منتشر می‌شد و در سال‌های آخر عمر، سید جمال با روزنامه «قانون» و «ملکم خان» در لندن همکاری نزدیکی داشت. هم‌چنین باید از میرزا آقا خان کرمانی نام برد که از جمله همکاران خوب «قانون» به شمار می‌رفت. «میرزا ملکم خان» عقیده داشت که نویسندگان قانون اشخاص وطن پرستی هستند که معنی و قدرت روزنامه جات را فهمیده اند. اگر چه «قانون» از همان شماره نخست مدعی شد که ارگان گروهی از افراد است و «اسم نگارنده این مطالب خلق ایران»، اما همه کارها را به ظاهر خود «ملکم» انجام می‌داد و فقط در نوشتن مطالب تنی چند که نامشان ذکر شد او را یاری می‌کردند. به جز «میرزا آقا خان کرمانی» و «سید جمال الدین افغانی»، «شیخ احمد روحی کرمانی»، «علی محمد خان مجیرالدوله» و «سید جمال الدین واعظ اصفهانی» بنا به روایت جمال‌زاده هم در تهیه مطالب

قانون شرکت داشتند.

وحشت دربار از انتشار قانون

شماره اول «قانون» که اول رجب ۱۳۰۷ در لندن انتشار یافت، پنجاه و دو روز بعد، با پست به تهران رسید و همین شماره نخست شورو چراغ امیدی در روشنفکران جامعه زیر فشار استبداد افکند. از این رو دربار به زودی ورود و خواندن «قانون» را ممنوع اعلام کرد و عده‌ای به جرم ارتباط با این روزنامه دستگیر و زندانی شده و شماری نیز به قتل رسیدند. مدیر روزنامه «روح القدس» در این باره همان زمان نوشت: «روزنامه «قانون» جرئت قدم گذاشتن به خانه ما ایرانیان را نداشت و اگر راه گم کرده و به دست یک بیچاره می‌رسید و خبر آن به امنای دولت می‌رفت، نمی‌دانم چه می‌شد که آن ورق‌های کاغذ مثل دینامیت یک دفعه مشتعل شده خانه و خانمان‌ها به باد می‌داد.» وحشت دربار از تکثیر و توزیع وسیع این نشریات باعث می‌شود ظرف سه روز، سی نفر را دستگیر کنند. «سید فرید قاسمی» پژوهشگر معاصر در کتاب راهنمای مطبوعات ایران می‌نویسد: «پس از دستگیری افراد در بازجویی‌های اولیه، ۱۸ نفر از آن‌ها را آزاد کرده و ۱۲ نفر را با زنجیر به پا و گردن به قزوین انتقال می‌دهند. یکی از این دوازده نفر «حاج سیاح» بوده است که در حین دستگیری و به دنبال ورود ماموران حکومتی به ساختمانی که محل تکثیر و توزیع نشریات برون مرزی شناخته شده است، خود را از طبقه بالا پرت می‌کند و پایش می‌شکند.» بنا به نوشته «ملک آرا» در شماره اول روزنامه قانون که صحبت از مجلس شورای ملی و محدود کردن اختیارات شاه و عوامل دربار بود، ناصرالدین شاه ورود این روزنامه را به ایران قدغن کرد و زمانی که به او خبر دادند انجمنی متشکل از آزادی خواهان روزنامه را در سطح کشور تکثیر می‌کنند، بلافاصله توسط مامورانش دفتر انجمن را محاصره و غارت نموده و افرادش را دستگیر کرده و در خانه «نایب السلطنه» حبس کرد. ناصرالدین شاه چنان از دست «میرزا ملکم خان» به غضب آمده بود که تمامی عناوین و القاب ملکم را که خود به او داده بود، سلب و ورود وی را به کشور ممنوع ساخت. نویسنده نشریه انجمن تاریخ در سال ۱۳۵۷ در این‌باره چنین می‌نویسد: **تلگراف برکناری ملکم** از مقام وزیر مختاری ایران در لندن... میرزا ملکم خان نویسنده روشنفکر ارمنی و اصلاح طلب ولی سودجو و بی‌ایمان بواسطه تقلب در کار امتیاز لاتاری و رفتار مغایر با اعتبار دولت ایران پس از قریب ۱۷ سال که به عنوان

وزیر مختار ایران مقیم لندن بود در آذر ماه ۱۲۶۸ ش. ه. از مقام خود معزول گردید. حکم برکناری او را تاکنون ندیده‌ام در جایی چاپ شده باشد اینک متن حکم تلگرافی برکناری ملکم که از طرف میرزا عباس‌خان قوام‌الدوله وزیر امور خارجه صادر شده است که ضمیمه مقاله است.

اسماعیل رابین می‌نویسد: ناصر الدین شاه دستور داد شورایی تشکیل شود و از ورود روزنامه «قانون» و نامه‌هایی که به تاثیر از افکار و نشر روزنامه نوشته و به دربار فرستاده می‌شد، جلوگیری نماید. «حامد الگار» در کتاب «ملکم خان» هم می‌نویسد: همان طور که می‌دانیم، «ناصر الدین شاه» از دولت انگلیس خواسته بود که هر چه زودتر قانون را از انتشار باز دارند.

منع حاکمان و حرص محکومان بهای مادی روزنامه قانون را در بازار سیاه داخل کشور روز به روز بالا می‌برد و به قول «امین الدوله» «سرشت روزنامه قانون را منع دولتی بیشتر کرد و حرص به دیدن و داشتن آن از امتناع دیوانیان بیشتر بود.» میرزا آقا خان کرمانی به «ملکم» نوشته بود: هر کس اگر هم برای ارمغان و سوغات هم بوده چند نسخه از قانون را به ایران فرستاده است. «قانون بسیاری از مفاهیمی را که نیاز به ذکر آنها داشته، با به کار گرفتن پسوند «ملی» نشان داده است: حقوق ملی، غیرت ملی، ... و حتی مرض ملی! و مانند آن. هم چنین این روزنامه نخستین روزنامه فارسی زبان است که به نقش زنان در جامعه ارج و اهمیت فراوان می‌دهد. ملکم خان در این باره می‌نویسد: نصف هر ملت مرکب است از زن، آنان نصف محترم ملت‌اند پس هیچ طرح ملی پیش نمی‌رود مگر به معاونت زن‌ها ..

ویژگی‌های هنری و فنی قانون

از نظر ویژگی‌های فنی، طراحی، چاپ و گرافیک «قانون» به روزنامه‌های فرانسه زبان چاپ هلند به نام «لادون» شبیه بود. در زمان چاپ و پخش روزنامه در ایران، در میان سایر نشریات ایران تک و بسیار مورد توجه بود. خلاف بسیاری از روزنامه‌های هم عصر چاپ شده در داخل و خارج ایران «قانون» دارای سرلوحه ساده‌ای است: نام روزنامه به خط نستعلیق نوشته و کلیشه شده و ضبط فرنگی این نامه به صورت KANOUN به خط گوتیک در سر لوحه انگلیسی صفحه آخر آمده است. ترجمه‌ی آن نام نیز (the LAW) در زیر اسم روزنامه دیده می‌شود. صفحه اول قانون با **علامت‌های ماسونی** فرانسوی تزئین

تلگراف برکناری ملکم از مقام وزیر مختاری ایران در لندن

پس از اتفاق امتیاز لاتاری که منجر به کدورت فی مابین میرزا ملکم خان، ناصرالدین شاه و امین السلطان (صدراعظم وقت) گردید، عباس خان قوام الدوله وزیر امور خارجه طی تلگراف ذیل او را پس از قریب ۱۷ سال که به عنوان وزیر مختار ایران مقیم لندن بود در آذر ماه ۱۲۶۸ ش.ه. از مقام خود معزول گردید. اینک متن حکم تلگرافی برکناری ملکم که از طرف میرزا عباس خان قوام الدوله صادر شده است:

« ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۰۷ از طهران به لندن شماره ۷۴ - جناب ناظم الدوله تلگراف شما رسید از بسکه بی اساس و ناگوار بود نه بعرض خاکپای مبارک همایون رساندم و نه شایسته و لایق دیدم که به جناب امین السلطان (۱) نشان دهم، تکلیف شما و وزارت خارجه را این دیدم که شما را از ماموریت لندن معاف بدارم. اخراجاتی که بشما داده می شود الی آخر عقرب (آبان) به شما رسیده و خواهد رسید از اول قوس (آذر) الی آخر سال که چهار ماه هست از دولت داده نخواهد شد، بعد از وصول این تلگراف بکارهای سفارت مداخله نکنید تا مامور جدید (۲) برسد او به تکلیف ماموریت خود حرکت و رفتار خواهد کرد.

قوام الدوله

۱- امین السلطان - میرزا علی اصفرخان (تابک) وزیر اعظم

۲- بجای ملکم میرزا محمد علیخان علاءالسلطنه سرکنسول ایسران در تفلیس رهسپار لندن شد.

شده است (که به گرایش ماسونی ملکم زمانی که در فرانسه بود، برمی‌گردد) ولی چاپ تجدید شده تبریز این نشان‌ها را ندارد. نوع چاپ نشان می‌دهد که تا آخرین شماره چاپخانه شرقی عهده دار چاپ آن بوده است و از حروف نسخ عربی در چاپ قانون استفاده شده است. «قانون» شماری غلط‌های چاپی هم دارد که نشان عدم حضور مصحح فارسی زبان در چاپخانه مذکور بود. درباره تیراژ و شمار چاپ «قانون» اطلاعی در دست نیست. خود روزنامه می‌نویسد: «از خورجین عابرین و از جیب بغل زوار و حجاج‌ها «قانون» است که می‌جوشد.» اشتراک سالانه روزنامه در شماره‌های ۱ تا ۹ یک لیره انگلیسی و در شماره‌های بیست و پنج تا سی و پنج یک تومان بود، در دیگر شماره‌ها، یکی از شعارهای «فهم کافی» یا «شرط آدمیت» یا «یک ذره شعور» یا «زحمت ابلاغ این نسخه به یک آدم دیگر» به جای بهای روزنامه ذکر شده است. صفحه آخر شماره‌های یک تا پنج روزنامه اعلان کوچکی درباره اشتراک دارد: «از این جریده قانون یک دفعه از برای بعضی معتبرین یک نسخه مجاناً فرستاده می‌شود. اگر قیمت سالیانه آن را نرسانند نسخه دیگر فرستاده نخواهد شد.»

«ملکم‌خان» در آغاز کار انتشار روزنامه آماده بوده است که دستمزد در خوری به همکاران آینده قانون پردازد و این را در شماره نخست نوشته است: «هر فضل و هنری که دارید به پول و به قیمت عالی خواهیم خرید.» گفتنی است قیمت کپی یک نسخه قانون در تهران پنج شاهی و اشتراک سالانه اش بیست قران بود.

تعامل سنت و تجدد در مشروطه

اگر تعامل سنت و تجدد را نتیجه منطقی حرکت و جنبش بزرگ مشروطه در ایران بدانیم، اندیشه‌های غالب در مشروطیت ایران یا متأثر از لیبرال دموکراسی اروپاست که از طریق اشخاصی مثل «میرزا ملکم‌خان» وارد ایران شد و یا تحت تأثیر نوعی تلقی از سوسیالیسم دموکراسی اروپا بوده است که سخنگوی آن را می‌توان محمد امین رسول زاده به شمار آورد. اگر چه هیچ وقت تلقی واحدی از مشروطه بین مشروطه خواهان (چه متجددین و چه سنتی‌ها) وجود نداشت. بعدها در تحلیل جریان‌شناسی حرکت مشروطیت نوشتند: روشنفکرانی مثل «ملکم‌خان» در تقلیل مشروطیت ایران پیشگام شدند (نسبت به مشروطه از نوع انگلیسی) و تلاش کردند از ابزار روحانیت برای پیشبرد مقاصد خود بهره ببرند، اگر چه در نهایت نتیجه عکس شد.

به قول «دکتر حسین آبادیان» صاحب کتاب «بحران مشروطیت ایران» مشکل مشروطه خواهان ایران این نبود که مشروطه را با الزامات فرهنگی خود فهمیدند، مشکل این بود که آنان مشروطه را که از اصناف نظام‌های دنیایی بود، رنگ قدسی دادند و مبارزه در راه استقرار آن را به منزله جهاد تلقی نمودند، بدون این که از ماهیت آن اطلاعی داشته باشند و به همین دلیل مشروطه اروپایی در کشور ما رنگ و باور دینی پیدا کرد، حال آن که نه دین عبارت بود از مشروطه و نه مشروطه مساوی بود با دینداری و بحران اصلی هم که بعدها دامنگیر این نهضت شد، از همین جا شروع شد. در بین نویسندگان، مبارزان و ثنوریسین‌های پیشا مشروطه و در زمان مشروطیت افرادی هم چون «یوسف خان مستشار الدوله»، «آخوند زاده»، «طالبوف» و «ملکم خان ناظم الدوله» معتقد بودند که قوانین نو را می‌توان در اسلام یافت. اگر چه «ملکم خان» هم مثل آخوند زاده آگاه بود که تنوری مشروطه غربی با مبانی اسلام تفاوت دارد، ولی این مطلب را هرگز به شیوه آشکاری نه گفت و نه در «قانون» نوشت.

نمونه‌هایی از مطالب قانون

نام «قانون» و شعار سه کلمه‌ای «اتفاق. عدالت. ترقی» در زیر این نام نشان دهنده هدف ملکم خان از انتشار این نشریه است. انتشار حقایق، ترتیب اتفاق، طلب قانون و امداد مظلومین ماموریت‌های چهار گانه این روزنامه آزاد و طرفدار آزادی قلم بود. قانون هم چنین از نظر رعایت نکردن عفت کلام در میان روزنامه‌های کهن ایران ممتاز است اما کمتر کسی است که درباره قانون سخن گفته و نشر ساده و خواندنی آن را تحسین کرده باشد. قسمتی از سر مقاله شماره اول «قانون» را با هم می‌خوانیم:

«هیچ کس در ایران مالک هیچ چیز نیست. زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون. سرتیپ معزول می‌کنیم، بدون قانون. حقوق دولت را می‌فروشیم، بدون قانون. بندگان خدا را حبس می‌کنیم، بدون قانون. خزانه می‌بخشیم، بدون قانون. در هند، در پاریس، در تفلیس، در مصر، در اسلامبول، حتی در میان ترکمن‌ها هر کس می‌داند حقوق و وظایف او چیست. در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام ...»

درباره اشتهاار نامه اولیای آدمیت می‌نویسد:

«ای آدمیان ایران، ای برادران مکرم، سلطنت ایران تازه، شاه غفران پناه هیچ تقصیر

نداشت. ویرانی ایران از امور است نه از معایب اشخاص. چه باید کرد. باید وضع امور را اصلاح کرد.»

هم‌چنین در قسمتی از صفحه اول نمره یازدهم «قانون» آمده است:

«وای بر آن ملکی که زندگی و ترقی و ناموس خلق در دست وزرای جاهل باشد، دولت صفویه را سفاهت وزرا تمام کرد. دولت‌های رفته همه شهید جهالت وزرا بوده اند. در ایران چرا این قدر ظلم هست؟ به علت این که آدم کم است، چه باید کرد که آدم زیاد بشود؟ اول خودت آدم بشو. ... دولتی که قانون ندارد، نه دین دارد، نه انصاف، نه شعور. از جمله شقاوتهای سفیهانه دولت بی قانون یکی این است که وجودهای ممتاز ملت را به اقسام صدمات وحشیانه تعاقب می‌نماید که در باب قانون چرا کاغذ پرانی می‌کنید؟ ای جنابان کمال پناه. با وجود چنین پرواز عالم گیر قانون از چنان تدابیر بربری به جز این که خود را بیشتر مورد لعن و نفرت دنیا بکنید چه حاصل؟ ... بدیهی است که آدم به جهت حفظ حق آدمیت باید هم عهد و هم قسم باشند. آن بدبختی که خودش منکر آدمیت خود بشود، حیوانی است کور و دیوانه، باید بر حال او ترحم کرد.»

حمایت از شریعت و شریعتمداران، پیش انداختن روحانیون برای وصول به قانون و آزادی، بل قبول ظاهری حکومت اسلامی به رهبری آنان را به ظاهر ملکم به عنوان تاکتیک و تحت تاثیر «سید جمال الدین افغانی» برگزیده بود. اصلاً از زمانی که ملکم خان با سید جمال رفیق خانه و گرمابه شد تاثیراتی متفاوت از اسلام گرفت اگرچه برخی اعتقاد دارند آدمی مثل ملکم خان اسلام را وسیله‌ای کرده بود برای آوردن فرهنگ غرب در کشور...

«جمال الدین»، بعدها همکار «قانون» شد و از همان موقع اسلام گرایی روزنامه افزایش یافت. قانون در شماره ۱۸، که مطلبی نیز درباره اتحاد اسلامی در آن آمده، خبر ورود سید جمال الدین را به لندن می‌دهد. گزارش «خفیه نویس دربار» حاکی است که از همین گروه «آدمیت است و سعی دارد رئیس آن گروه نیز بشود. در همان حال، «سید» در مقاله‌هایی که در اروپا انتشار می‌داد از «ملکم خان» تعریف می‌کرد. خود «ملکم» این معنا را در مقاله‌ای به زبان انگلیسی یادآور شده است.

ناشر روزنامه، ارمنی زاده نو مسلمانی که اعتقادش به اسلام مشکوک تلقی می‌شد، با بدگمانی معاصران و هم‌چنین نویسندگان بعدی رو به رو بود. از این رو در «قانون» در برابر

اتهام نامسلمانی و بدکیشی به دو صورت واکنش نشان داده است:

۱- نسبت دادن این اتهام به گویندگان آن یعنی بی دین و نامسلمان خواندن هیئت

حاکمه

۲- غیر شرعی قلمداد کردن حکومت‌شان

«حزب الله» عنوانی است قرآنی که «ملکم» برای همفکران خود و مجمع آدمیت برگزید و بارها این عنوان را در قانون به کار برد. شعار «حزب الله»، «الله اکبر» است. گاه نیز شعار «الله اکبر» به صورت مجزا در پایان مطلب یا خبر یا شعار دیگری آمده است.

ناشران قانون، در همان شماره نخست «اشخاصی وطن پرست» که از «وطن مألوف» دور افتاده‌اند معرفی شدند. و در شماره بعد، در توجیه قانونخواهی آمده است که «ایران خانه ماست و تا این خانه نظم نداشته باشد بدیهی است که آسایش اهل خانه محال خواهد بود». برای این «وطن گرامی» و «عزیز» است که قانون منتشر می‌شود: «ما ... به این جاده شهادت وطن پرستی افتاده ایم»، «خطوط قانون ... از قلب و مغز ایران ظهور می‌کند»، «ما از جان و دل هواخواه استقلال و شوکت ایران هستیم» و «به جز نظم و ترقی ایران در دنیا کار و آرزویی نداریم». «تجدید شوکت ایران» را نویسندگان قانون، «بر عهده عجز خود گرفته‌اند». غرض «نجات ایران» است و «امنای آدمیت ... فدوی ملت هستند».

واژه «ملت» و واژه‌ها و ترکیب‌های برآمده از آن بیش از هر واژه دیگری در قانون به کار رفته است. از «ایرانیان، یعنی هم‌وطنان» با عنوان «خلق» یا «خلق ایران» به تقریب به همان اندازه ملت و ملت ایران یاد شده است. «ملکم» خود در جایی می‌نویسد: «مامورین دولت ایران نادان و شیادند، قشون ایران مایه تمسخر دنیاست، مجتهدین ایران نسبت به دین و عدالت بی اعتقادند، شهرهای ایران مرکز کثافت است، قانون و دادگستری در ایران شوخی است، جاده‌های ایران از آمد و رفت چهارپایان به وجود آمده است.»

ملکم از نگاه دیگران

اشخاص و نویسندگان زیادی درباره «ملکم خان» نظریات و عقاید گونه گونی ابراز

داشته‌اند:

مؤلف «سیاست گران دوره قاجار می‌نویسد»: «هر چند نگارش بعضی از مطالبی که

ملکم به‌رشته تحریر درآورده سودمند است و حقیقت دارد ولی از قلم کسی کاملاً مؤثر واقع می‌شده که با یک ایمان خلل ناپذیری بنگارد نه فقط برای عوام فریبی و به‌دست آوردن پول و اعتبار و مقام. بهر حال قسمتی از آن‌ها تا حدی موجب روشن شدن افکار گردیده است.» و نیز می‌نویسد:

«اطلاعات سیاسی را دست آویز کرده در برابر مردم محبوب فروتن و بی‌خبر آن ایام، پرده از روی خودپسندی و خودبینی برداشته مقاماتی برای خود فوق استعداد بشری قائل می‌شده است.»

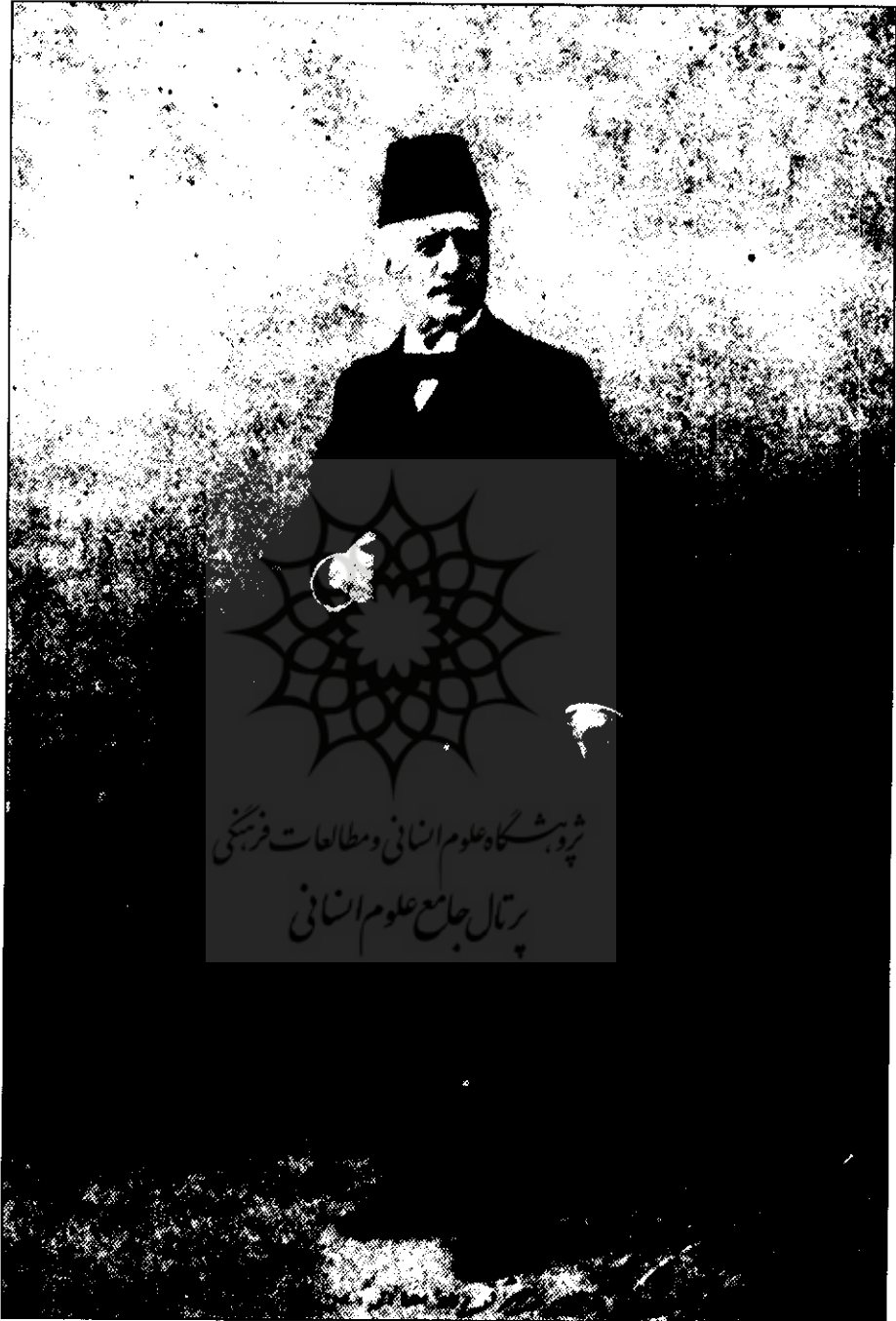
«ویل فریدبلنت» مؤلف کتاب «تاریخ سری اشغال مصر به‌دست انگلیسی‌ها» نیز درباره «ملکم‌خان» می‌گوید: «شخصیت قابل ملاحظه‌ای که هرگز ندیده بود داشته کسی که آگاه‌ترین مردان شرقی بوده است.»

«جلال آل احمد» در کتاب **غرب زدگی** می‌نویسد:

«در زمانی که پیشوای روشنفکر غرب‌زده‌ی ما «ملکم‌خان» مسیحی بود و «طالب اوف» سوسیال دمکرات قفقازی و از آن چرا این‌طور شد؟ چون همی دو سه سالی که پس از وقایع مشروطه در این آب و خاک - سری توی سرها در آوردند، همی این‌ها کرمانی بود و خطابه جلال الدوله و به دیگر غرب زدگی‌های صدر اول و تا آن‌جا که صاحب این قلم می‌بیند، این حضرات «متسکیو»های متفق‌القول بودند که بفهمی نفهمی احساس می‌کردند می‌کردند که اساس اجتماع دست تهی ما در قبال حمله‌ی جبری ماشین و تکنولوژی تاب مقاومت ندارد و نیز همگی به این بی‌راهه افتادند که به قول ملکم خان «اخذ تمدن فرنگی بدون تصوف ایرانی» اما گذشته از این نسخه‌ی نامعرب کلی هر کدام باز.....»

«اسماعیل رایین» در کتاب «میرزا ملکم‌خان» می‌نویسد: گروهی او را یک مرد سیاسی زرننگ و پرکار و ورزیده می‌دانند. دسته‌ای از وی به عنوان یک میهن پرست تندرو و افراطی یاد می‌کنند. جمعی جاسوس چند سره و کثیفش می‌دانند. برخی او را ادیب و سخن‌سنج و صاحب مکتب می‌شناسند و آخرین و ساده‌ترین چهره‌ای که از میرزا ملکم خان، در ذهن مردم عامی نقش بسته است همان شعبده باز می‌باشد. به خصوص وقتی این داستان را می‌شنویم:

«یک روز میرزا ملکم خان به دکان سلمانی رفته بود، چون دکان سلمانی شلوغ بود



..... ورود قانون به ایران ممنوع!

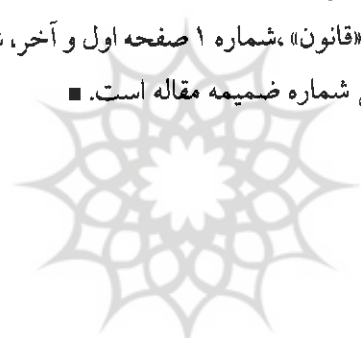
• تصویری از میرزا ملکم خان در اواخر عمر در ایتالیا

ناگهان دست برد و سر خودش را از گردنش برداشت و به دست سلمانی داد و گفت: بگیر این سر مرا پپیرای و برابم بفرست ... و خود با تن بی سر به راه افتاد و رفت!»

آخرین نامه

«میرزا ملکم خان ناظم الدوله» دو ماه قبل از مرگش آخرین رساله اش را به نام «طرح تازه یا کلید نجات ایران» نوشت و برای «محمد علی خان فرید الملک» که طرف وثوق و اعتمادش بود، فرستاد. وی تا سال ۱۳۲۶ به مدت ۱۰ سال از طرف مظفر الدین شاه سفیر کبیر ایران در ایتالیا شد و تا پایان عمرش در آن کشور ماند و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری در سن ۷۷ سالگی در شهر لوزان درگذشت و بر حسب وصیتش جنازه او را به برن پایتخت سوئیس برده و در آن جا سوزاندند.

نمونه‌هایی از روزنامه «قانون»، شماره ۱ صفحه اول و آخر، شماره ۱۲ (چاپ تبریز)، شماره ضمیمه (حجت) و آخرین شماره ضمیمه مقاله است. ■



منابع:

با سپاس از «تماشاگه در دست تاسیس مطبوعات ایران» و همکاری سرکار خانم‌ها ندا رسولی و زهرا پروز و آقایان حسن چراغان و سیروس سعدوندیان

- ۱- راهنمای مطبوعات ایران (عصر قاجاریه) تألیف سید فرید قاسمی - انتشارات مرکز مطالعات رسانه ها
- ۲- مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت تألیف عبدالرحیم ذاکر حسین - انتشارات دانشگاه تهران
- ۳- میرزا ملکم خان تألیف اسماعیل رایین - انتشارات صفی علیشاه
- ۴- آثار برگزیده دهمین جشنواره مطبوعات - مقاله روشنفکری ایرانی (موضع گیری در برابر غرب و نه عقل)

تألیف نظام بهرامی کمیل

۵- فصلنامه یاد ۷۳-۷۴-۷۷-۸۱ انتشارات بنیاد تاریخ - مقالات ابوالفضل شکوری ، دکتر حسین آبادیان، فیاض زاهد

۶- بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران تألیف دکتر حسن حاج سید جوادی انتشارات گروه پژوهشگران ایران.

۷- شرح حال رجال ایران- تألیف مهدی بامداد- انتشارات زوار

- ۸- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت تألیف پروفیسور ادوارد براون ترجمه محمد علی تربیت- انتشارات معرفت
- ۹- ماهنامه کلک- مقاله تجدید چاپی ها- تألیف محمد گلبن
- ۱۰- تاریخ چیست- تألیف ای. اچ. کار- ترجمه حسن کامشاد
- ۱۱- غریزدگی- تألیف جلال آل احمد- انتشارات کهبد
- ۱۲- تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان- جلد اول و دوم - تألیف ناصرالدین پروین - انتشارات مرکز نشر دانشگاهی
- ۱۳- از کاغذ اخبار تا نشریه‌های الکترونیکی- تألیف ماجد صفری - انتشارات رویداد
- ۱۴- روزنامه قانون- به کوشش هما ناطق - انتشارات امیر کبیر
- ۱۵- القاب رجال دوره قاجاریه- تألیف کریم سلیمانی- انتشارات شرفی
- ۱۶- روزنامه‌های قانون، ناصری و شرف
- ۱۷- نشریه انجمن تاریخ، سال ۱۳۵۷ (سال سوم شماره یک صفحه ۱۳)
- ۱۸- فصلنامه تاریخ معاصر ایران- تابستان ۱۳۸۵
- ۱۹- حکایت پیرو جوان (داستانی به قلم ناصرالدین شاه) به کوشش کوروش منصوری- انتشارات موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی